

اللباب فى (٥٠) حديثاً من أحاديث الآداب

در (٥٠) حديث از أحاديث آداب

تأليف:

خالد بن عبدالرحمن العسكر

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله دبيري العوضى

چاپ اول

١٣٨٥/١٤٢٧هـ

فهرست مطالب

ص	موضوع	ص	موضوع
١٩	حديث شماره (٢٦)	٥	حديث شماره (١)
١٩	حديث شماره (٢٧)	٥	حديث شماره (٢)
١٩	حديث شماره (٢٨)	٦	حديث شماره (٣)
٢٠	حديث شماره (٢٩)	٦	حديث شماره (٤)
٢٠	حديث شماره (٣٠)	٧	حديث شماره (٥)
٢١	حديث شماره (٣١)	٧	حديث شماره (٦)
٢١	حديث شماره (٣٢)	٨	حديث شماره (٧)
٢٢	حديث شماره (٣٣)	٨	حديث شماره (٨)
٢٣	حديث شماره (٣٤)	٩	حديث شماره (٩)
٢٣	حديث شماره (٣٥)	٩	حديث شماره (١٠)
٢٤	حديث شماره (٣٦)	١٠	حديث شماره (١١)
٢٥	حديث شماره (٣٧)	١٠	حديث شماره (١٢)
٢٥	حديث شماره (٣٨)	١١	حديث شماره (١٣)
٢٦	حديث شماره (٣٩)	١١	حديث شماره (١٤)
٢٦	حديث شماره (٤٠)	١٢	حديث شماره (١٥)
٢٧	حديث شماره (٤١)	١٣	حديث شماره (١٦)
٢٧	حديث شماره (٤٢)	١٤	حديث شماره (١٧)
٢٨	حديث شماره (٤٣)	١٥	حديث شماره (١٨)
٢٨	حديث شماره (٤٤)	١٥	حديث شماره (١٩)
٢٩	حديث شماره (٤٥)	١٥	حديث شماره (٢٠)
٢٩	حديث شماره (٤٦)	١٦	حديث شماره (٢١)
٣٠	حديث شماره (٤٧)	١٧	حديث شماره (٢٢)
٣١	حديث شماره (٤٨)	١٧	حديث شماره (٢٣)
٣١	حديث شماره (٤٩)	١٨	حديث شماره (٢٤)
٣٢	حديث شماره (٥٠)	١٨	حديث شماره (٢٥)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وآله وصحبه ومن والاه أما بعد:

این کتاب که (اللباب) یعنی لب و مغز هر چیز نام دارد و شامل (٥٠) حدیث از احادیث آداب است که برادر خالد بن عبدالرحمن العسکر آنرا جمع آوری کرده، ما آنرا ترجمه کردیم تا بتوان آنها را حفظ نمود، احادیث آن آسان و کوچک است و در زندگی روزمره هر انسانی بکار برده می شود. از خداوند خواهانم آنرا برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و بر ما و برادر مؤلف اجر و پاداش بسیار عطا فرماید.

وصلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم.

ریاض: إسحاق بن عبدالله دبیری

۱۳۸۲/۵/۱۲ هـ ۱۴۲۴/۵/۱۳ هـ

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com

es@al-islam.com

مقدمه مؤلف

الحمد لله المحمود بما له من الأسماء الحسنى، والصفات الكاملة العليا، وعلى آثارها الشاملة للأولى والأخرى. والصلاة والسلام على نبينا محمد، أجمع الخلق لكل وصف حميد، وخلق رشيد، وقول سديد، وعلى آله وأصحابه وأتباعه من جميع العبيد، وبعد: هیچ سخن و گفتاری بعد از سخن و گفتار خدا صادق و پر نفع و فایده و در برگیرنده در خیر این دنیا و آخرت نیست، مگر سخن و گفتار رسول خدا و حبیب او محمد ﷺ، چون او آگاه‌ترین مخلوقات و ناصح‌ترین و هدایت‌کننده‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و آموزنده‌ترین و بیان‌کننده‌ترین مخلوقات است.

و این رساله شامل بر پنجاه حدیث از احادیث آداب نبوی که در صحیح بخاری و مسلم آمده و مسلمان را بر اقتدا و تأسی به آن تشویق می‌کند می‌باشد، تا اینکه آداب و اخلاق و عادات او بر منهج و روش مستقیم و مسلک قویم باشد و تا اینکه مسلمان بتواند بعضی از این احادیث نبوی را حفظ نماید. تا اینکه کلیدی برای حفظ کردن غیر از آن باشد، و مقصود ما بیان و توضیح نیکی به مردم است و اینکه آنرا در مسابقه‌ها برای حفظ قرار دهند و در تعطیلات و غیره از آن در مسابقه‌ها استفاده ببرند.

از خداوند خواهانیم که این عمل را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و فایده آن را به همگان برساند، اوست قادر بر همه چیزها.

والحمد لله رب العالمین.

خالد بن عبدالرحمن العسکر

حديث (١)

(اینکه خدا و رسول خدا از هر چیز برای او محبوبتر باشد)

أنس بن مالك رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَفَ فِي النَّارِ». متفق عليه^(١).

کسی که این سه خصلت را داشته باشد، شیرینی ایمان را می چشد، یکی اینکه: خدا و رسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد، دوم اینکه: محبتش با هر کس، بخاطر خوشنودی خدا باشد. سوم اینکه: برگشتن به سوی کفر، برایش مانند رفتن در آتش، ناگوار باشد.

حديث (٢)

(تأسی و اقتدا به ستمهای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

أبوهريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «قَالَ كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبِي قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَا بَنِي قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». رواه البخاري^(٢).

(١) البخاري في الإيمان رقم (١٦) ومسلم في الإيمان رقم (٤٣).

(٢) البخاري في الاعتصام رقم (٧٢٨٠).

تمامی امت من به بهشت داخل خواهند شد مگر کیسکه خود از دخول آن امتناع ورزید! گفتند: ای رسول خدا! چه کسی است که از دخول به بهشت اجتناب می‌ورزد؟ فرمودند: هر کس از من اطاعت کند به بهشت داخل می‌شود، و هر کس از من نافرمانی (و سرپیچی) کند او همان کسی است که خود از دخول به بهشت امتناع ورزیده است.

حدیث (٣)

(فضیلت بنده با تقوا و پرهیزگار که تقوای خود را از مردم پنهان کرده است)

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْحَفِيَّ». رواه مسلم^(١).

خداوند بنده با تقوا و پرهیزگار که تقوای خود را از دیگران پنهان می‌کند و محتاج دیگران نیست را دوست دارد.

حدیث (٤)

(نهی از سوگند خوردن بر خدا)

جندب رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که مردی گفت: «وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِفُلَانٍ وَأَحْبَطْتُ عَمَلَكَ». رواه مسلم^(٢).

(١) مسلم في الزهد والرقائق رقم (٢٩٦٥).

(٢) مسلم في البر والصلة رقم (٢٦٢١).

سوگند بخدا که خدا فلانی را نمی‌بخشد، خداوند فرمود: این چه کسی است که بر من سوگند می‌خورد که فلانی را نمی‌بخشم!! من او را بخشیدم و عمل تو را نابود کردم.

حدیث (٥)

(بر حق‌ترین مردم به نیکی)

أبوهریره رضی الله عنه گوید: مردی به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا! «مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبُوكَ» متفق علیه^(١).

چه کسی بر حق‌ترین مردم به نیکی من است؟ فرمود: مادرت، آن مرد این جمله را سه بار تکرار کرد، و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در جواب می‌فرمود: مادرت، و در بار چهارم در جواب فرمود: پدرت.

حدیث (٦)

(نهی کردن مرد که والدین خود را دشنام دهد)

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ أَنْ يَلْعَنَ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يَلْعَنُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قَالَ يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ أَبَاهُ وَيَسُبُّ أُمَّهُ» رواه البخاري^(٢).

(١) البخاري في الآداب رقم (٥٩٧١) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٥٤٨).

(٢) البخاري في الآداب رقم (٥٩٧٣).

از بزرگترین گناهان این است که مرد والدین خود را دشنام دهد، گفته شد: ای رسول خدا! چگونه والدین خود را دشنام دهد؟ فرمودند: مرد پدر دیگری را دشنام می دهد، و او در جواب پدرش آن مرد را دشنام می دهد، و او مادر آن مرد را دشنام می دهد، و او در جواب مادرش را دشنام می دهد.

حديث (٧)

(گناه قطع کننده صله رحمی)

جبیر بن مطعم رضی اللہ عنہ گوید: از رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم شنیدم که می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ» متفق علیه^(۱).
آن کسی که پیوند فامیلی و خویشاوندی را از هم می گسلد، وارد بهشت نمی شود.

حديث (٨)

(برگرداندن نیکی برای پیوند و صله رحمی کافی نیست)

عبدالله بن عمرو رضی اللہ عنہما از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم روایت می کند که فرمودند: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ وَلَكِنْ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمُهُ وَصَلَهَا». رواه البخاري^(۲).
واصل (پیوند دهنده صله رحم) کسی نیست که در برابر ارتباط متقابل،

(۱) البخاري في الآداب رقم (٥٩٨٤) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٥٥٦).

(۲) البخاري في الآداب رقم (٥٩٩١).

ارتباط فامیلی را برقرار کند، اما واصل کسی است که هرگاه کسی پیوند خویشاوندی اش را قطع می‌کند او می‌رود و آن را برقرار کرده و وصل می‌کند.

حدیث (٩)

(نهی کردن از کسانی که در هدیه خود بازگشت میکنند)

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَتِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ». متفق علیه^(۱).
کسی که هبه اش را پس می‌گیرد، مانند سگی است که استفراغ می‌کند، سپس دوباره استفراغش را می‌خورد.

حدیث (١٠)

(نیکوکاری و گناه)

نواس بن سمعان رضی الله عنه گوید که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره نیکوکاری و گناه پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» رواه مسلم^(۲).
نیکوکاری، خوش اخلاقی است، و گناه ناراحتی است که در دل پدید می‌آید و

(۱) البخاري في الهبة رقم (٢٥٨٩) ومسلم في الوصايا والصدقة رقم (١٦٢٢).

(۲) مسلم في البر والصلة رقم (٢٥٥٣).

دوست نداری مردم از آن آگاه شوند.

حديث (١١)

(مسلمان کسی است که مسلمان دیگر از اذیت او مصون باشد)

عبدالله بن عمرو رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می کند که فرمودند: «المُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ» متفق عليه^(١).
مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند، و مهاجر (واقعی) کسی است که از آنچه خدا منع کرده است، هجرت نماید. (یعنی آنها را ترک کند).

حديث (١٢)

(از خصلتهای ایمان گفتار نیک و مراعات حقوق همسایگان و میهمانان است)

أبوهریره رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می کند که فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ» متفق عليه^(٢).
کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی بدارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، میهمان نوازی کند.

(١) البخاري في الإیمان رقم (١٠) ومسلم في الإیمان رقم (٤٠).

(٢) البخاري في الآداب رقم (٦٠١٨) ومسلم في الإیمان رقم (٤٨).

حديث (١٣)

(ياری و کمک مؤمنين به يکديگر)

أبو موسى رضي الله عنه از رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم جَالِسًا إِذْ جَاءَ رَجُلٌ يَسْأَلُ أَوْ طَالِبٌ حَاجَةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ اشْفَعُوا فَلْتَوَجَّرُوا وَلَيَقْضِ اللَّهُ عَلَيَّ لِسَانَ نَبِيِّهِ مَا شَاءَ» متفق عليه^(١).

مؤمن در همکاری با مؤمن مانند ساختمانی (استوار) است که برخی از آن برخی دیگر را محکم می سازد (و برای بیان حالت آن) ایشان صلی الله علیه و آله و سلم انگشتان خویش را در هم پنجه زدند، و در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود مردی، یا صاحب حاجتی بر ما داخل شد طلب حاجتی نمود، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: درباره همدیگر شفاعت کنید، و حاجت همدیگر را برطرف سازید، و خداوند آنچه خواهد بر زبان پیامرش جاری می نماید.

حديث (١٤)

(قضاء حوائج مسلمانان)

أبو هريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَيَّ مُعْسِرٍ

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٠٢٧) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٥٨٥).

يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ» رواه مسلم^(١).

کسی که از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف کند، خداوند یک دشواری و سختی روز قیامت او را رفع می‌کند، و کسی که بر فقیر و بینوائی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و کسی که بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می‌پوشاند، (این زشتی و بدی برای کسانی که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند می‌باشد، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن کار، ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود، و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود)، و خداوند در کمک و یاری بنده است هنگامی که بنده در کمک و یاری برادر مسلمانش می‌باشد.

حدیث (١٥)

(حق مسلمان بر مسلمان دیگر)

أبو هريره رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم روايت مي‌کند که: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتُّ قِيَلٍ مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا لَقَيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا

(١) مسلم في الذكر والدعاء رقم (٢٦٩٩).

اسْتَنْصَحَكَ فَاَنْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَسَمَّيْتُهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدُّهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» رواه مسلم^(١).

حق مسلمان بر مسلمان ديگر شش چيز است گفتند آن چيست؟ فرمود: اگر او را دیدی بر او سلام کن، و اگر تو را دعوت کرد، دعوت او را اجابت کن، و اگر از تو درخواست نصیحت نمود، او را نصیحت کن، و اگر عطسه زد و الحمد لله گفت، به او جواب ده (یعنی بگو: یرحمک الله) خدا تو را رحم کند، و اگر مریض شد، او را عیادت کن، و اگر فوت نمود، جنازه او را تشییع کن.

حديث (١٦)

(برادری اسلام و حقوق مسلمان)

أبوهريره رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ روايت می کند که فرمودند: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَجْدُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِحَسَبِ امْرِيٍّ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ». متفق عليه^(٢).

(١) مسلم في الآداب رقم (٢١٦٢).

(٢) البخاري في الآداب رقم (٦٠٦٤) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٥٦٤).

شما مسلمانان به یکدیگر حسد نوزید، به زیان یکدیگر سازش نکنید، و به یکدیگر بغض و کینه نوزید، و به همدیگر پشت نکنید، و هیچ یک از شما بر فروش دیگری نفروشد، بندگان خدا، و برادران همدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به برادر خود ستم نمی‌کند، دست از یاری و کمک او نمی‌کشد، او را تکذیب نمی‌کند، او را خوار و ذلیل نمی‌شمارد، این تقوا و پرهیزکاری است - و سه بار به سینه‌اش اشاره فرمود - برای انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد، خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

حدیث (۱۷)

(نهی از قهر کردن بیش از سه روز)

أبو أيوب الأنصاري رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ روايت مي‌کند که فرمودند: «لَا يَجُلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ» متفق عليه^(۱).

برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادرش قهر کند، و وقتی که با یکدیگر برخورد می‌کنند هر یک از دیگری روی‌گردان می‌شود، و بهترین این دو همان است که ابتدا سلام می‌کند.

(۱) البخاري في الآداب رقم (٦٠٧٧) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٥٦٠).

حديث (١٨)**(سواره بر نشسته. و افراد کم بر افراد بسیار سلام می‌کنند)**

أبوهريره رضي الله عنه روايت مي‌کند که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». متفق عليه^(١).

سواره بر پیاده، پیاده بر نشسته، جمعیت کم بر جمعیت زیاد، و کوچک بر بزرگ سلام می‌کند.

حديث (١٩)**(سلام بر شناخت و غیر شناخت است)**

عبدالله بن عمرو رضي الله عنه گوید مردی از رسول الله صلى الله عليه وآله پرسید: «أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ قَالَ تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». متفق عليه^(٢).

مردی از رسول الله صلى الله عليه وآله پرسیدند: چه اسلامی بهتر است؟ فرمود: به مردم خوراک دادن، و بر مردم سلام کردن، چه او را بشناسی، و چه او را نشناسی.

حديث (٢٠)**(مستحب است با چهره باز و روی خوش برخورد کنی)**

أبوذر رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روايت مي‌کند که فرمودند: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنْ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنَّ تَلَقَّى أَحَاكَ بِوَجْهِ طَلِقَ». رواه مسلم^(٣).

(١) البخاري في الاستئذان رقم (٦٢٣٣) ومسلم في الآداب رقم (٢١٦٠).

(٢) البخاري في الاستئذان رقم (٦٢٣٦) ومسلم في الإيمان رقم (٣٩).

(٣) مسلم في البر والصلة رقم (٢٦٢٦).

هیچ چیزی را از عمل نیک و خیر (و معروف آنچه که پسندیده است) را کوچک
مشمار هر چند که با برادر مسلمانان با چهره باز و روی خوش برخورد کنی.

حدیث (٢١)

(تشویق بر راستگویی و نهی از دروغگویی)

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «عَلَيْكُمْ
بِالصُّدْقِ فَإِنَّ الصُّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ
يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصُّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ
الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ
وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا» متفق عليه^(١).

به راستگویی و راستکرداری و صداقت چنگ بزنید، به تحقیق که صداقت
و راستی به بر و نیکی رهنمود می سازد و نیکی و بر به سوی بهشت رهنمون
می سازد. و هر فرد که همچنان راست می گوید و بدنبال راستی می باشد و در
مسیر آن تلاش و کوشش می نماید تا آنکه نزد خدا از گروه راستگویان و
صادقان محسوب می گردد. از دروغگویی و فریبکاری پرهیزید و دوری
نمایید زیرا دروغ به سوی کارهای بد و زشت رهنمون می سازد و فجور و
زشتی به سوی آتش جهنم رهنمون می سازد و هر فرد که همچنان دروغ

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٠٩٤) ومسلم في البر والصلة رقم (٢٦٠٧).

می گوید و در مسیر آن حرکت کرده و تلاش می نماید تا آنکه نزد خداوند متعال از گروه دروغگویان و فریبکاران محسوب می گردد.

حدیث (٢٢) (نشانه های منافق)

أبوهريره رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» متفق عليه^(١).
نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید، دوم اینکه خلاف وعده عمل می کند، سوم اینکه در امانت خیانت می کند.

حدیث (٢٣) (حفظ زبان)

سهل بن سعد رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ» رواه البخاري^(٢).
هرکس بین دو ریش خود (یعنی زبان) و بین دو پایش (یعنی شرمگاهش) برایم ضمانت کند و آنرا حفظ نماید، من بهشت را برایش ضمانت می شوم.

(١) البخاري في الإیمان رقم (٣٣) ومسلم في الإیمان رقم (٥٩).

(٢) البخاري في الرقاق رقم (٦٤٧٤).

حديث (٢٤) (تعريف غيبت)

أبو هريره رضي الله عنه روايت مي كند كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «أَتَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ هَتَّهٗ» رواه مسلم^(١).

آيا مي دانيد غيبت و پشت سر ديگران حرف زدن چيست؟ گفتند: خدا و رسول خدا داناترند. فرمود: ياد كردن برادرت به آنچه كه او دوست ندارد غيبت است. گفته شد: اگر آنچه در باره برادرم مي گوييم در او باشد هم غيبت است؟ فرمود: ياد كردن برادرت به آنچه كه در او هست، غيبت است، و اگر به آنچه كه در او نيست او را ياد كني به او بهتان زده اي.

حديث (٢٥) (نهي از نيمه و سخن چيني)

حذيفه بن اليمان رضي الله عنه گوید: شنيدم كه پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم مي فرمايد: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَّاتٌ» متفق عليه^(٢). القتات: سخن چين.

(١) مسلم في البر والصلة رقم (٢٥٨٩).

(٢) البخاري في الآداب رقم (٦٠٥٦). ومسلم في البر والصلة رقم (١٠٥).

سخن چين و خبرکش به بهشت نخواهد رفت.

حديث (٢٦)

(نهی از دشنام دادن و لعنت کردن)

أبوذر رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنید که می فرماید: «لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ وَلَا يَرْمِيهِ بِالْكَفْرِ إِلَّا أَرْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ» رواه البخاري^(١).

کسی که دیگری را به فسق و کفر متهم می سازد، اگر آن شخص چنين نباشد، فسق و کفرش بر خودش بر می گردد.

حديث (٢٧)

(نهی از دشنام دادن مردگان)

عائشه رضي الله عنها گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» رواه البخاري^(٢).

به مردگان ناسزا نگوئید، زیرا آنان به نتیجه اعمالشان رسیده اند.

حديث (٢٨)

(دوری و اجتناب از خشم و غضب)

أبوهريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» متفق عليه^(٣).

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٠٤٥).

(٢) البخاري في الجنائز رقم (١٣٩٣).

پهلوانی در غلبه کردن بر دیگران نیست، بلکه پهلوانی آن است که هنگام خشم و غضب، بر خود غلبه کند و از خشم خود بکاهد.

حديث (٢٩)

(اگر حیا نداشتی هر چه خواستی بکن)

أبو مسعود الأنصاري رضي الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» رواه البخاري^(١).
آن چه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هر چه خواستی بکن.

حديث (٣٠)

(حیا بخشی از ایمان است)

عبدالله بن عمر رضي الله عنه می گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَهُوَ يَعِظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دَعَاهُ فَإِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ» متفق عليه^(٢).

روزی رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار یک مرد انصاری می گذشت که برادرش را در مورد شرم و حیا نصیحت می کرد (و می گفت که شرم و حیاءت را کمتر کن) آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در باره کم کردن شرم و حیا او را پند مده، زیرا

(١) البخاري في الآداب رقم (٦١١٤) ومسلم في البر والصلة من حديث ابن مسعود رقم (٢٦٠٨).

(٢) البخاري في الآداب رقم (٦١٢٠).

(٣) البخاري في الإيمان رقم (٢٤). ومسلم في الإيمان رقم (٥٩).

حیا بخشی از ایمان است.

حدیث (٣١) (نرم رفتاری)

عائشه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنَزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ». رواه مسلم^(١).
رفتار نرم در چیزی نخواهد بود مگر اینکه آن چیز را آرایش و زینت می دهد، و از چیزی گرفته و برداشته نشود مگر اینکه آن چیز را بد و عیب دار می کند.

حدیث (٣٢) (نهی از کبر و غرور)

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ قَالَ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطَرٌ الْحَقُّ وَغَمَطٌ النَّاسِ» رواه مسلم^(٢).

کسیکه در قلب او مثقالی از یک اندک از کبر و غرور باشد وارد بهشت نمی شود، یکی از یاران سؤال کرد: ای پیامبر فردی دوست دارد لباس او

(١) مسلم في البر والصلة رقم (٢٥٩٤).

(٢) مسلم في الإيمان رقم (٩١).

خوب و زیبا باشد، و همچنین کفش و پاپوش او زیبا و قشنگ باشد! آنحضرت فرمودند: خداوند زیبا و قشنگ است، و زیبایی و قشنگی را دوست دارد، کبر و غرور ناخشنودی و عدم رضایت از حق و تحقیر مردم و ناچیز شمردن مردم است.

حدیث (٣٣)

(آنچه از مدح و ثنا مکروه است)

أبو بکره رضی اللہ عنہ روایت می کند که: «أَنَّ رَجُلًا ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَثْنَى عَلَيْهِ رَجُلٌ خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيْحَكَ قَطَعْتَ عُنُقَ صَاحِبِكَ يَقُولُهُ مِرَارًا إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ مَادِحًا لَا مَحَالَةَ فَلْيَقُلْ أَحْسِبُ كَذَا وَكَذَا إِنْ كَانَ يُرَى أَنَّهُ كَذَلِكَ وَحَسْبِيهِ اللَّهُ وَلَا يُزَكِّي عَلَى اللَّهِ أَحَدًا» متفق عليه^(١).

مردی نزد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر مدح و ثنای دیگری بود، رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: وای بر تو گردن او را قطع کردی و بریدی - و چند بار این جمله را تکرار کرد - اگر یکی از شما به مدح و ثنای کسی اجبار دارد، پس بگوید: به گمانم چنین و چنان است، و اگر دید که آن شخص در حقیقت مردی خوبی است، بگوید: إن شاء الله آن شخص چنین است، و حساب او نزد خداست،

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٠٦١) ومسلم في الزهد والرقائق (٣٠٠٠).

و بر خدا هیچ کس را تزکیه و برتری نمی دهد.

حدیث (٣٤)

(مؤمن عیب خود را می پوشاند)

أبوهریره رضی الله عنه گوید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافٍ إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولَ يَا فُلَانُ عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» متفق عليه^(١).

تمامی امت من در خیر و عافیت است مگر کسی که گناهانش را برای مردم آشکار نماید، و از دیوانگی آن است که فردی در شب کار (بدی) کرده باشد، و خداوند آن کار را بر او ستر کرده و پوشانده باشد، ولی خودش آمده و آنرا بازگو می کند که ای فلانی من دیشب چنین و چنان کردم، در حالیکه خداوند در شب عیب او را پوشانده بود، و او در صبح آمده و آنرا آشکار می کند.

حدیث (٣٥)

(آنچه پائین تر از کعب باشد در آتش است)

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٠٦٩) ومسلم في الزهد والرفائق رقم (٢٩٩٠).

أبوهريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ مِنَ الْإِزَارِ فِي النَّارِ» رواه البخاري^(١).
 آنچه از لباسها پائین تر از کعب (بجلك) و قوزک پا باشد، روز قیامت آن مقدار در آتش جهنم خواهد بود.

حديث (٣٦)

(حق راه را مراعات کنید)

أبوسعید الخدری رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرِيقَاتِ فَقَالُوا مَا لَنَا بَدُّ إِنَّمَا هِيَ مَجَالِسُنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا قَالَ فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجَالِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهَا قَالُوا وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ قَالَ غَضُّ الْبَصْرِ - وَكَفُّ الْأَذْيِ وَرَدُّ السَّلَامِ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ». متفق عليه^(٢).

از نشستن در معابر عمومی اجتناب کنید، مردم گفتند: یا رسول الله! چاره ای جز این نداریم زیرا آنجا، محل نشستن و سخن گفتن ما است، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر چاره‌ای جز این ندارید، پس حق راه را مراعات کنید، پرسیدند: یا رسول الله! حق راه چیست؟ فرمود: حافظت چشمها، اذیت

(١) البخاري في اللباس رقم (٥٧٨٧).

(٢) البخاري في المظالم رقم (٢٤٦٥) ومسلم في الآداب رقم (٢١٦١).

نکردن عابران، جواب دادن سلام و امر به معروف و نهی از منکر.

حديث (٣٧)

(جایز بودن مناجات اگر بیش از سه نفر باشد)

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى رَجُلَانِ دُونَ الْآخِرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ أَجَلَ أَنْ يُخْزِنَهُ». متفق عليه^(١).

اگر سه نفر بودید، نباید دو نفر با هم رازگوئی و مناجات کنند، و سومی را ترک کنند، تا اینکه با مردم در هم داخل شوید (یعنی بیش از سه نفر باشید)، چون این امر او را (فرد سومی) را اندوهگین می نماید.

حديث (٣٨)

(باز کردن جا در مجالس)

عبدالله بن عمر رضي الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يُقِيمُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ مِنْ مَقْعَدِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ وَلَكِنْ تَفَسَّحُوا وَتَوَسَّعُوا». متفق عليه^(٢).

(١) البخاري في الاستئذان رقم (٦٢٨٨) ومسلم في الآداب رقم (٢١٨٤).

(٢) البخاري في الاستئذان رقم (٦٢٧٠) ومسلم في الآداب (٢١٧٧).

نباید کسی دیگری را از جایش بلند سازد تا خود در جای او بنشیند، ولیکن جای را باز کنید، و یا بین خود گشایش و وسعت دهید (و کمی تنگتر بنشینید).

حدیث (٣٩)

(اجازه خواستن بخاطر نگاه چشم است)

سهل بن سعد رضی الله عنه روایت می کند که: «أَطَّلَعَ رَجُلٌ مِنْ جُحْرٍ فِي حُجْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَمَعَ النَّبِيِّ ﷺ مِدْرَى ﷺ يَحْكُ بِه رَأْسَهُ فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعَنْتُ بِهِ فِي عَيْنِكَ إِنَّمَا جُعِلَ الْإِسْتِذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصْرِ». متفق عليه^(١).

مردی از سوراخی که در حجره‌های پیامبر ﷺ بود به داخل نگاه می کرد، و در این وقت در دست پیامبر ﷺ (مدری) شانه آهنینی بود که سر خود را با آن می خارانید، آنحضرت ﷺ فرمود: اگر می دانستم که تو به داخل خانه نگاه می کنی، این شانه را در چشمت فرو می بردم. اجازه خواستن برای همین است که شخص نگاه نکند.

حدیث (٤٠)

(در امور دنیا بایستی به کسانی که از او فقیرتر و عاجزتر اند نگاه کرد)

(١) البخاري في الاستئذان رقم (٦٢٤١) ومسلم في الآداب رقم (٢١٥٦).

أبوهريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْهُ». متفق عليه^(۱).

هرگاه یکی از شما به کسی که خداوند به او در مال ثروت، و در خلقت زیبایی عطا فرموده بنگرد، پس به کسی که از خود فقیرتر و عاجزتر و زشت تر است نگاه کند.

حديث (٤١)

(بسم الله گفتن نزد خوردن. و با دست راست خوردن)

عمر بن أبي سلمه رضي الله عنه گوید: «كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ فَمَا زِلْتُ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ». متفق عليه^(۲).

عمر بن أبي سلمه رضي الله عنه گوید: پسر بچه ای بودم در تربیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و دستم در صینی خوراک می گشت، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای غلام خدا را یاد کن (بسم الله بگو) و با دست راست خود بخور، و از جلو خود بخور. و بعد از این همچنان بودم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به من دستور داد.

حديث (٤٢)

(۱) البخاري في الرقاق رقم (٦٤٩٠) ومسلم في الزهد والرفائق رقم (٢٩٦٣).

(۲) البخاري في الأطعمة رقم (٥٣٧٦) ومسلم في الأطعمة رقم (٢٠٢٢).

(ليساندن انگشتان)

عبدالله بن عباس رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَمْسَحُ يَدَهُ حَتَّى يَلْعَقَهَا أَوْ يُلْعَقَهَا». متفق عليه^(١).

هرگاه یکی از شما خوراکی را خورد پنجه‌های خود را پاک و تمیز نکند تا اینکه او را بلیساند یا لیسانیده شود.

حدیث (٤٣)**(خوردن و آشامیدن با دست راست)**

عبدالله بن عمر رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ» رواه مسلم^(٢).

هرگاه یکی از شما خواست بخورد با دست راست خود بخورد، و هرگاه خواست بنوشد، با دست چپ خود بنوشد، زیرا شیطان با دست چپ می‌خورد، و با دست چپ می‌نوشد.

حدیث (٤٤)

(١) البخاري في الأطعمة رقم (٥٤٥٦) ومسلم في الأطعمة رقم (٢٠٣١).

(٢) مسلم في الأطعمة رقم (٢٠٢٠).

(نوشتن در حال ایستادن مکروه است)

أبو هريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: «لَا يَشْرَبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ قَائِمًا»
رواه مسلم^(۱).
هیچ یک از شما در حال ایستادن نیاشامد.

حدیث (٤٥)**(هرگاه کفشی را پوشید از راست شروع کند****و هرگاه آنرا بیرون آورد، از چپ شروع کند)**

أبو هريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: «إِذَا أَنْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيَمِينِ وَإِذَا خَلَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ وَلْيُنْعِلْهُمَا جَمِيعًا أَوْ لِيَخْلَعْهُمَا جَمِيعًا» متفق عليه^(۲).
هرگاه یکی از شما کفش به پا کند اول از راست شروع کند، و آنگاه که از پا بیرون می‌آورد از چپ شروع کند، اول باید پای راست کفش شود، و آخر هم آن، از پا در آورده شود.
و یا هر دو را کفش بپوشد. یا هر دو پا را برهنه کند.

حدیث (٤٦)**(آنچه در عطسه مستحب، و در خمیازه ناپسند است)**

(۱) مسلم في الأثرية رقم (٢٠٢٦).

(۲) البخاري في اللباس رقم (٥٨٥٥، ٥٨٥٦) ومسلم في اللباس والزينة رقم (٢٠٩٧).

أبوهريره رضي الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ وَيَكْرَهُ التَّشَاؤُبَ فَإِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ وَحَمِدَ اللَّهَ كَانَ حَقًّا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ سَمِعَهُ أَنْ يَقُولَ لَهُ يَرْحَمَكَ اللَّهُ وَأَمَّا التَّشَاؤُبُ فَإِنَّهَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا تَشَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُرِدْهُ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَشَاءَبَ ضَحِكَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ» رواه البخاري^(١).

خداوند حکیم، عطسه را دوست داشته و خمیازه را ناپسند می‌داند. بنا بر این هرگاه یکی از شما عطسه زده و الحمد لله بگوید، بر هر مسلمانی که «الحمد لله»، را می‌شنود واجب است (سزاوار است) که به او بگوید: یرحمک الله، اما این را بدانید، که خمیازه از جانب شیطان است، بدین خاطر هر یک از شما که خمیازه بر او غلبه کند، تا آنجا که می‌تواند آن را دفع و رد کند، زیرا هر یک از شما که خمیازه می‌کشد، شیطان به خاطر این عملش به او می‌خندد و مسخره‌اش می‌کند.

حدیث (٤٧)

(آداب دیدن خواب)

أبو سعید الخدری رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنید که فرمودند: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ اللَّهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلْيُحَدِّثْ بِهَا وَإِذَا رَأَى غَيْرَ

(١) البخاري في الآداب رقم (٦٢٢٣).

ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ». متفق عليه^(١).

اگر یکی از شما خوابی دید که میل داشت بقیه را از آن آگاه کند، آن خواب از خداست، بنابراین باید خدا را سپاس گوید و دیگران را از آن با خبر سازد، ولی اگر غیر آن بود و کراهت داشت، آن خواب از شیطان است و باید از شر آن به خدا پناه برد و کسی را از آن خبر ندهد که به او ضرر و زیانی نخواهد رسید.

حدیث (٤٨)

(کسیکه در خواب دیدن دروغ بگوید)

عبدالله بن عباس رضي الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ كَلْفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَلَنْ يَفْعَلَ وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَيَّ حَدِيثَ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ أَوْ يَفْرُونَ مِنْهُ صَبَّ فِي أُذُنِهِ الْآنُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ صَوَّرَ صُورَةَ عُدْبٍ وَكَلَّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِنَافِخٍ». رواه البخاري^(٢).

هرکس به دروغ خوابی را بازگو کند، مکلف می شود تا بین دو دانه جو با هم گره زند، در حالیکه نمی تواند آنرا انجام دهد، و هر کس به سخن و گفتار

(١) البخاري في التعبير رقم (٦٩٨٥) ومسلم من حديث أبي قتادة في الرؤيا رقم (٢٢٢٦).

(٢) البخاري في التعبير رقم (٧٠٤٢).

قومی گوش دهد که ایشان آنرا ناپسند می‌دانند، روز قیامت سرب مذاب شده در گوشش می‌ریزند، و هر کس عکسی را نقاشی کند، مکلف می‌شود تا در آن روح بدمد، در حالیکه نمی‌تواند آنرا انجام دهد.

حدیث (٤٩)

(در دعا کردن عزم و اراده کند چون برای خدا ناپسند نیست)

أبو هریره رضی الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ، لِيَعِزَّزَ الْمُسْأَلَةَ فَإِنَّهُ لَا مُكْرَهَ لَهُ». متفق عليه^(١).

هیچ یک از شما نگویید: خدایا! اگر خواستی به من رحم کن، پروردگارا! اگر خواستی از گناهان و تقصیراتم درگذر؛ بلکه در دعا کردن عزم و اراده کند، زیرا خواهش تو، برای خداوند ناپسند نیست.

حدیث (٥٠)

(سید الاستغفار)

شداد بن اوس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ قَالَ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ

(١) البخاري في الدعوات رقم (٦٣٣٨) ومسلم في الدعاء رقم (٢٦٧٩).

مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمَسِّيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». رواه البخاري^(١).

خدایا! تو پروردگار منی. معبودی به حق مگر تو که مرا آفریدی، نیست. و من بنده تو هستم و تا جایی که بتوانم به پیمان و وعده تو پایدارم. از شر آن چه انجام داده‌ام، به تو پناه می‌برم. از نعمت تو بر خود آگاهم و به گناهم اعتراف دارم. مرا هرآینه بیامرزد؛ زیرا جز تو کسی آمرزنده نیست. هر کس در هنگام روز، این دعا را به طور یقین بگوید و پیش از آغاز شب بمیرد، از اهل بهشت است، و کسی که آن را شب از روی یقین بگوید و پیش از صبح بمیرد، از اهل بهشت است. و صلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم تسلیماً کثیراً.

(١) البخاري في الدعوات رقم (٦٣٠٦).